



## مقدمه

نسخه هیچ‌گونه پژوهشی انجام نشده‌است، از این رو در این پژوهش این نسخه خطی معرفی و تحلیل می‌شود تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: محتوای دقیق این نسخه چیست؟ این نسخه از نظر نگارشی و دستوری چگونه است؟ شاعرانی که نویسنده در این اثر به اشعارشان استناد جسته کدامند؟

## پیشینه تحقیق

تاکنون تلاش‌های بسیاری در زمینه نسخه‌های خطی، معرفی و تصحیح آنها صورت گرفته‌است. تعداد این پژوهش‌ها در زمینه دست‌نوشته‌های بلاغت، اندک است که به چند نمونه اشاره می‌شود: مقاله «معرفی «فانوس خیال» نسخه خطی فارسی کتابخانه حکومت اندهرپرادش هند» نوشته یحیی طالبیان در *مجله ادب و زبان کرمان*، «تحقیق و مقارنه نسخ خطی «نخبه‌البیان» نراقی بزرگ و تحلیل و رفع یک التباس» به قلم محمد ادیبی‌مهر در *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان* و «معرفی «شرح مناظر الانشاء» نسخه خطی کتابخانه دانشگاه استانبول ترکیه» نگارش جمیل جعفری و عزیز ناصری در *فصلنامه زبان و ادب فارسی*؛ اما در زمینه قندزی و اثر وی تاکنون تحقیقی انجام نشده‌است.

## روش تحقیق

روش پژوهش حاضر به شیوه اسنادی-تحلیلی بوده و نگارندگان تلاش نموده‌اند پس از تهیه نسخه از کتابخانه مجلس شورای اسلامی این نسخه نفیس را معرفی و محتوای آن را بررسی و تحلیل نمایند. هم‌چنین از فیش‌برداری به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده‌است.

نسخه‌های خطی و آثار مجهول و ناشناخته به‌جای‌مانده، سهم بزرگی از ذخایر گران‌بهای فرهنگی این سرزمین است؛ بنابراین یکی از حوزه‌های مهم و ضروری تصحیح و احیای نسخه‌های خطی است؛ زیرا «این آثار بهترین و ارزنده‌ترین نشانه طرز تفکر مردم هر مملکت و دیار محسوب می‌شوند و نخستین گام برای شناخت و شناساندن یک ملت متمدن، دستیابی به آثار فرهنگی اوست» (فدایی، ۱۳۸۶: ۲۵).

اهمیت معرفی و تصحیح متون ادبی بازمانده از گذشتگان چه در قالب نثر و چه نظم، امری بدیهی است که در غنی‌سازی زبان و فرهنگ و ادب فارسی نقش بسزایی دارد و سبب آشنایی نسل حاضر و نیز آیندگان با فرهنگ و ادب شده و از نابودی این آثار ارزشمند جلوگیری می‌شود.

نسخه‌های خطی، پشتوانه و سرمایه فرهنگی ملت‌هاست. «این گنجینه‌ها نمایانگر تاریخ علم و ارزش‌های هنری یک ملت در قرون مختلف است. آگاهان هر جامعه که به ضرورت و اهمیت این‌گونه شناخت از تاریخ تمدن خود پی‌برده‌اند، هرگونه امکاناتی برای احیای آثار گذشتگان و نقد و تصحیح متون خطی فراهم آورده‌اند. بر نسخه‌شناسان و مصححان زبان فارسی نیز لازم است تا در راه احیا و تصحیح نسخ فارسی از هیچ کوششی دریغ نورزند و هیچ مجالی را از دست ندهند» (یلمه‌ها، ۱۳۹۱: ۲۶۶).

یکی از این نسخه‌های ارزشمند نسخه خطی *اساس‌الفضل* در زمینه بلاغت است که به وسیله «محمود بن محمد قندزی» (زنده در ۸۲۱ هجری قمری) نگاشته شده‌است. تاکنون در زمینه این

## معرفی نویسنده و نسخه

### معرفی قندزی

تنها اطلاعاتی که از مؤلف این اثر بجای مانده از کتاب *فنخا* نوشته مصطفی درایتی است. او در نسخه‌شناسی بلاغت قندزی چنین می‌نویسد: مؤلف این اثر، محمود بن محمد بن احمد قندزی (زنده در ۸۲۱ ق.) است. متأسفانه در کتب تاریخ ادبیات، تذکره‌ها، تراجم احوال نام و نشانی از او نیست.

به دلیل آنکه چند برگ آغازین نسخه افتاده، نام و نشان مؤلف در ابتدای نسخه نیست؛ اما نویسنده در برگ ۱۶۵ ر و پ در توضیح صنعت «اطراد» نام خودش را آورده‌است: اطراد و آن آوردن اسماء ممدوح یا غیرممدوح است و آباء او بر ترتیب ولادت چنانچه با سهولت و روانی همچو آب جاری باشد...

مثال دیگر: امیر محمدشاه قندزی برای من از قندز در سال احدی عشرين و ثمانمای (در دهلی) قصیده‌ای ارسال فرموده اولش این است. شعر:

«آن کو به جاه چون پدر و پدر جد آمدست

محمد بن حمید بن احمد بن علا»

من نیز برای او قصیده‌ای فرستادم مطلعش این است: شعر: «دهان جود و سخاوت سپهر عز و علا» نویسنده خود اشعاری هم در معما دارد و بدان‌ها اشاره کرده و گفته: «و نیز معماهایی دارم که از آن دوگان نام و بیشتر از آن می‌خیزد و ابیات مهمل و میهم نگشته باشد لعدم اسماع، (۲۴۷-۲۴۷پ)» (درایتی، ۱۳۹۰: ۹۳).

### معرفی اساس الفضل

این نسخه درباره فنون ثلاثه بلاغت و معایب کلام است. این کتاب مفصل در قرن نهم و در دو بحر تنظیم شده‌است:

## ۱. المحاسن؛

### ۲. بیان المعایب.

این اثر تأثیر بسیاری از کتاب *تلخیص المفتاح* محمد بن عبدالرحمن بن عمر خطیب دمشق (۷۳۹ق) پذیرفته و در موارد متعددی هم از آن یاد کرده‌است. هم‌چنین در این اثر از نویسندگان و شاعران بسیاری یاد شده که موارد زیر از آن جمله‌اند:

سکاکي، زمخشری، حریری، کافی، الشارع العلامة و العالم المحقق سعدالدین تفتازانی، بساطی، مولانا الامام معین الدین المعمرانی، رشیدی، شمس الانصاری، شیخ عبدالله، ابوالفرج ساوی، فردوسی، عنصری، انوری، معزی، نظامی، خاقانی، ثنایی، سعدی، سلمان، فرخی، خجندی، ملک الشرق شهید، وطواط، ظهیر فاریابی، بساطی، رودکی و ... .

در اساس الفضل قندزی عناوین و مطالب زیر

دیده می‌شود:

### ۱. البحر الاول: فی المحاسن

فصاحت، بلاغت، سلاست، جزالت، تشبیه، الحقیقه و المجاز، استعارات، تمثیل، الکنایه، تعریض، تلویح، إطباق، القول فی علم البدیع، وجوه معنوی، مطابقه (تضاد و طباق و تطبیق)، تذبیح، تناسب، لزوم مایلزم، تشابه الاطراف، ایهام تناسب، مُشاکله، إرصاد، عکس و تبدیل، رجوع، توریه، استخدام، لف و نشر، جمع و تفریق و تقسیم، مبالغه، مذهب کلامی، حسن تعلیل، تأکید المدح بما یشبه المدح، إستتباع، إدماج، مُحتمل الضدین، تَجاهل العارف، تعجب، إطراد، قول به موجب، توفیر الدواعی، التفات، سؤال، ترجمه اللفظ، تفسیر، تحمیل واقعه، ذوالمعنین، ذوالوجهین، محسنات لفظیه، تجنیس، ردالعجز علی الصدر، سجع، قافیه، موشیح، إعنات، ردیف، براعت إستهلال، اعتراض الکلام من قبل التمام، تنسیق الصفات، سیاقه

اسقاط، تشبیه، اقوا، اظهار، ایطاء، تحریک ساکن، تسکین متحرک، تشدید مخفف، تخفیف مشدد، توصیف، اکفاء، شایگان، سرقت و اخذ (درایتی)، ۱۳۹۰: ۹۳).

این نسخه به شماره ۸۸۲۰ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود و جمعاً ۶۶۲ صفحه دارد. البته در نسخه خطی برای هر دو صفحه یک شماره در نظر گرفته شده و تعداد صفحات نسخه ۳۳۱ صفحه است. لازم به ذکر است که نسخه‌ای دیگر از این کتاب در دست است، مشتمل بر دو باب محاسن سخن و معایب سخن. این نسخه با دو شماره ۱۹۳۴۵ و ۴۸۰۱/۲ در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد موجود است.



شکل ۱. صفحه پایانی از نسخه خطی شماره ۸۸۲۰ کتابخانه مجلس

الاعداد، ایراد المعطوفات، ارسال الامثال، امتناع، سهل مُمتنع، مُستزاد، مسمط، مصغر، ترجیع، لُغز، معما، ملمع، مُتلون، مثلث، بساط، مربع، مدور، مسلسل، مُشجر، شعر اندر شعر، مَجزو، مُتفرع، استدراک، مُسطح، مُجسم، مُصرع، مُصور، طرح، مُقطع، مُوصل، مُتخلی، عاِطِل، خِیفا، رَقطا، حُسن المَطلع، حُسن المَختم، حُسن تخلص، حسن طلب، حامل موقوف، مُفتح، مُفلق، مُجلی.

## ۲. البحر الثانی: فی بیان المعایب

تَنافُر، غِرابت، مخالفت قیاس، کراهت در سمع، ضعف تألیف، تعقید، کثرت تکرار، تابع اضافات، فک اضافه، حشو و تطویل، افراط، انقطاع، اخلال،



شکل ۱. صفحه نخستین از نسخه خطی شماره ۸۸۲۰ کتابخانه مجلس

## بررسی و تحلیل

این نسخه اثری است در ۶۶۲ صفحه در دو بحر که شرح آن در بخش معرفی نسخه ذکر شد. در اول نسخه و آخر آن افتادگی وجود دارد. آغاز نسخه به عربی است: «بالشجر ف لیكون فهرست الكتاب عند المطالع»: شعر:

«منگر کی تمام او دو بهرست

بنگر که دو بحر او دو بحر است»

«وَأَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ النَّفْعَ لِحَاجَتِهِ وَبِعَوْنِ اللَّهِ أَسْتَعِينُ وَهُوَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ الْمُعِين...» و در مورد فصاحت کلمه و کلام است: «بدانک قائل اشعار و راوی اوصاف را می‌باید تا در صنعت لفظ و جودت معنی بشناید و از فصاحت و بلاغت و سلاست و جزالت دریابد...» (قندزی، نسخه خطی: ۳).

و پایان آن: بیتی از ابی تمام

- «هیئات لا یاتی الزمان بمثله  
ان الزمان بمثله لبخیل»  
(همان: ۳۴۲)
- و مصرعی از ابوالطیب است.  
«اعدی الزمان سخاوه فسخا به»  
(همان)
- در این نسخه کلام به سه دسته فصاحت و جزالت و سلاست تقسیم‌بندی می‌شود.  
قندزی پس از تعاریف و توضیحات به نمونه‌هایی از ابیات و اشعار عربی و فارسی اشاره کرده‌است.  
ابیات عربی مانند:
- یُرینا صفحتی قمریْفوقُ سناهما القمرَا  
یُزیدک وِجْههُ حُسناً اذا ما زِدَتْهُ نظراً  
(همان: ۹۰)
- صَحَا الْقَلْبُ عَنْ سَلْمَى وَ أَقْصَرَ بَاطِلُهُ  
وَ عُرَى أَفْرَاسُ الصَّبَا وَ رَوَّاحِلُهُ  
أَتَقْتَلْنِی وَ الْمَشْرِفِی مَضَاجِعِی  
وَ مَسْنُونَهُ زَرْقُ کَأَنْیَابِ أَغْوَالِ  
(همان: ۲۰)
- کَأَنْ قُلُوبَ الطَّیْرِ رَطْباً وَ یَابِساً  
لَدَى وَکَرِهَا الْعَنَابِ وَ الْحَشْفِ الْبَالِیِ  
(همان: ۲۳)
- بیت اول از ابونواس اهوازی، بیت دوم از زهیر بن ابی سلمی و بیت سوم و چهارم از امرؤالقیس است.  
ابیات فارسی همچون:  
-ابیات زیر در تحمیل واقعه:  
آسمان را شکوه درگه او  
کرد مانند ذره سرگردان
- کوه را از نهیب حمله او  
گشت بر خویشتن وجود گران  
(همان: ۱۷۹)
- شاهد مثال برای مقابله  
ای جهاز علا و عزه و جاه  
و ای زمان سخا و همه و جود  
به سجود تو اختران قایم  
بوجود تو آسمان موجود  
(همان: ۲۰۷)
- مثال برای مشبه مفرد و مشبه به مرکب خیالی  
لاله نو رسته گویی بر فراز سبز شاخ  
بیرق یاقوت بر رمح زبرجد بسته‌اند  
(همان: ۱۹)
- و گاه نیز نام شاعر را ذکر نموده‌است همچون موارد زیر:  
- در صفحه ۳۷ نسخه آمده است: قال ابی العتاهیه  
و لا زورِدیةٌ تزهو بزرقتها  
بین الریاض علی حمر الیواقیت  
- در صفحه ۲۴ نسخه آمده است: قول بحتری  
کانما یبسم عن لؤلؤ  
منضد او برد او اقاح  
-هم‌چنین در صفحه ۳۴ نسخه: قول الوطواط  
و ثغره فی صفاء  
و ادمعی کالآلی  
- در صفحه ۵۰ نسخه: دو بیت از فرخی آورده‌است.  
به قد گفتی سروی است در میان قبا  
به روی گفتی ماهی است برنهاده کلاه  
چو سرو بود و چو ماه و نه سرو بود و نه ماه

کمر نبندد سرو و کله ندارد ماه

لَدَى وَكْرِهَا الْعُنَابُ وَالْحَشَفُ الْبَالِي

- در صفحه ۱۳۴ نسخه: بیتی از سلمان آورده است.

عذار و زلف در شأن حسن و زیبایی  
دو آیتند که ما صبح و شام می خوانیم

که در حاشیه به وزن عروضی آن اشاره کرده:  
فعولن مفاعیلن، فعول (بغیرالنون) مفاعلن (همان: ۲۳).  
و نیز در بیت فارسی زیر:

لب فرو می خاید آری  
بر زنج می گیرد آری  
پرسم از خرما و قند  
گویم از نارنج و سیب

- و نیز در صفحه ۲۲۱ نسخه: سعدی

شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی

که در حاشیه وزن آن فاعلاتن فاعلاتن  
فاعلاتن فاعلات (بغیرالنون) رمل نوشته شده است  
(همان: ۳۱).

البته تعداد ابیات فارسی نسبت به عربی کمتر  
است.

همچنین شواهدی از آیات قرآنی در این اثر  
دیده می شود که بسامد کاربرد آن به مانند اشعار عربی  
بالاست. در زیر به نمونه هایی از آیات به کار رفته در  
این نسخه اشاره می شود:

در نسخه بلاغت قندزی ابیاتی یافت شد که  
با جستجو در دواوین شعرا و نیز دیگر کتب بلاغی  
سراینده این اشعار یافت نشد. نیز با استناد به نمونه ای  
که نویسنده در برگ ۱۶۵ ر و پ در توضیح صنعت  
«اطراد» نام خودش را آورده و آن قصیده ای است که  
قندزی در پاسخ به قصیده امیر محمدشاه قندزی در  
سال احدی عشرین و ثمان مائه سروده و نیز استناد  
به جمله نویسنده در باب سرودن اشعاری معماگونه  
که در برگه ۲۴۷ ر و پ نسخه بدان اشاره شده و ذکر  
آن در بخش معرفی قندزی در همین مقاله رفته است،  
می توان گفت که قندزی دارای طبع شعری نیز بوده و  
این اشعار زاده طبع اوست.

- و کفوله تعالی: *وَاسْأَلُ الْقَرْيَةَ*. بخشی از آیه ۸۲ سوره  
یوسف (قندزی، نسخه خطی: ۴۷).

- کفوله تعالی: *يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ  
لِلنَّاسِ وَ الْحَجِّ . الْقَرْيَةُ* بخشی از آیه ۱۸۹ سوره بقره  
(همان: ۱۷۳).

- فی قوله تعالی: *لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ* بخشی از آیه ۱۱  
سوره شوری (همان: ۱۰۱).

- نحو قوله تعالی: *أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى  
فَمَا رِيحَتْ تِجَارَتُهُمْ الْقَرْيَةَ* بخشی از آیه ۱۶ سوره بقره  
(همان: ۷۶).

- کفوله عزوجل: *فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا  
تَنْهَرْ*. آیه ۹ و ۱۰ سوره ضحی (همان: ۲۱۹).

نویسنده حواشی بسیاری بر صفحات کتاب  
نوشته که مشتمل است بر اوزان و تقطیع ابیات و  
توضیحاتی جهت روشن شدن بیشتر شاهد مثال ها و  
نیز آوردن تعاریف و توضیحاتی به زبان عربی بدون  
ذکر نام گوینده.

اگر ابیاتی به عنوان شاهد مثال آورده، در  
حاشیه صفحات به وزن عروضی آن ها اشاره  
کرده است:

در ادبیات کلام بلیغ کلامی است که علاوه بر  
دارا بودن شروط فصاحت، به مقتضای حال و مناسب  
مقام باشد (قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۳). قندزی نیز معتقد

كَانَ قُلُوبَ الطَّيْرِ رَطْبًا وَيَابِسًا

ذکرشدهن وجه شبه تشبیه مفصل و در صورت ذکر نشدن آن مجمل گویند (نسخه خطی: ۳۲). در تشبیه اگر ادات تشبیه ذکر شود مرسل و اگر ذکر نشود مؤکد گویند و نیز تشبیه یا قریب مبتذل است، یعنی مستعمل مر عامه را، یا غریب است مستعمل مر خاصه را؛ اما قریب مبتذل تشبیهی است که در او انتقال کرده شود از مشبه به سوی مشبه به بغیر تدقیق، نظر به آنکه وجه شبه در او ظاهر باشد چنانچه در اول نظر دریافته شود (همان: ۳۵). قندزی از تشبیه مشروط و تسویه و تشبیه اضمار نیز سخن گفته است و آن (اضمار)، تشبیهی است که در ضمن غرضی دیگر فهم شود و ظاهر چنان نماید که مقصود چیزی دیگر است، نه این تشبیه.

#### استعاره

به نظر قندزی استعاره به اعتبار طرفین یعنی مستعارمنه و مستعارله بر دو قسم است؛ زیرا که اجتماع دو طرف در شیء یا ممکن است... و این استعاره را وفاقیه نامند و... اجتماع آن دو طرف در شیء ممتنع است... و این استعاره را عنادیه خوانند. استعاره تهکمییه و تملیحیه هم از این نوع است؛ یعنی استعارتی که در وی استعمال شود لفظ مستعار در ضد معنی خویش و یا در حقیقت معنی خویش (نسخه خطی: ۶۴). هم چنین استعاره به اعتبار جامع نیز بر دو قسم است یا عامیه است و آن مبتذله است و یا خاصیه است و آن غریبه است (همان: ۶۶). تقسیم بندی استعاره به اعتبار مستعار بر دو قسم اصلیه و تبعیه است. استعاره اصلیه آن است که لفظ مستعار او اسم جنس باشد؛ اما تبعیه آن است که لفظ مستعار آن فعل و حرف باشد. هم چنین استعاره به اعتبار دیگر به مطلقه و مجردة و مرشحہ تقسیم شده که گاه تجرید (مجرده) و ترشیح (مرشحہ) یک جا نیز می آیند

است یک منشی باید را در محاسن بکوشد و تمام کوشش خود به کار گیرد تا کلام خود را از معایب دور سازد و می نویسد: «واجبست منشی را که در منشآت خویش جانب محاسن نگهدارد و اگر در اتیان آن عاجز و قاصر باشد باری احتراز از معایب لازم گیرد تا اگر در سخن محاسن نبود و معایب نیز نباشد کلامی سرسری تواند بود؛ اما اگر محاسنش نبود بلکه معایبش باشد در آن هنگام به لحنی باصولت بهایم گردد و قایل اگر بر اتیان محاسن قادر نباشد و بر احتراز از معایب نیز راکب نبود» (نسخه خطی: ۲۸۳).

او از دیوان اشعار بسیاری از شاعران خصوصاً شعرای عربی زبان آگاه بوده است و هم چنین به قرآن ارادت خاص داشته که نمونه های متعدد و فراوان آیات و اشعار در کتاب بلاغت وی علاقه وی را به این زبان مشخص می کند. در ذیل جدول اشعار شعرای عرب زبان که در چهار بخش اصلی صور خیال (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) یافت شده رسم شده است.

تقسیم بندی های قندزی از چهار رکن اصلی صورخیال به صورت زیر است:

#### تشبیه

تشبیه از نظر قندزی به مبصرات و مسموعات و مسموعات و مذوقات و ملموسات تقسیم شده است. هم چنین ارکان تشبیه چهارند: مشبه، مشبه به، وجه شبه، ادات تشبیه. او طرفین تشبیه را به عقلی و حسی و نیز به مفرد و مقید و مرکب دسته بندی نموده است. تقسیم بندی های دیگر وی، تشبیه از نظر مدرک و غیر مدرک بودن طرفین تشبیه به خیالی و وهمی است. وی وجه شبه را به اعتبارات مختلفه، به تحقیق و تخییل تقسیم کرده است. در صورت

(همان: ۷۱-۷۰).

بعکس، ذکر محل و اراده حال و بعکس.

## مجاز

مجاز از دیدگاه قندزی کلمه‌ایست که استعمال شده‌است در معنی که این کلمه از برای آن معنی، موضوع نیست؛ اما با قرینه‌ای که آن قرینه صارفه باشد با معنی اراده شده، رابطه و پیوند برقرار می‌کند. پس حتماً باید علاقه‌ای در میان باشد (همان: ۱۰۲). البته از دیدگاه او مجاز بر سه نوع است: لغوی، شرعی، عرفی. لغوی است اگر ناقل آن اهل لغت است مثل اسد در مرد شجاع. شرعی است اگر ناقل شارع است مثل صلوه در دعا. عرفی است اگر متغیر نیست و این نیز بر دو نوع است: مجاز عرفی خاص مثل فعل در حدث یعنی مصدر بعرف نحوی و مجاز عرفی عام مثل دابه در انسان (همان: ۴۳). تقسیم‌بندی‌های وی در این بخش نظم خاصی ندارد و برای مجاز انواعی دیگری چون مجاز مفرد، مجاز مرسل، مجاز استعاره و... نیز در نظر گرفته که در این میان مجاز استعاره بسیار مفصل بحث شده است. هم‌چنین انواع مجاز مرسل از نظر وی عبارتند از: ذکر جزء و اراده کل و بعکس، ذکر سبب و اراده مسبب و

## کنایه

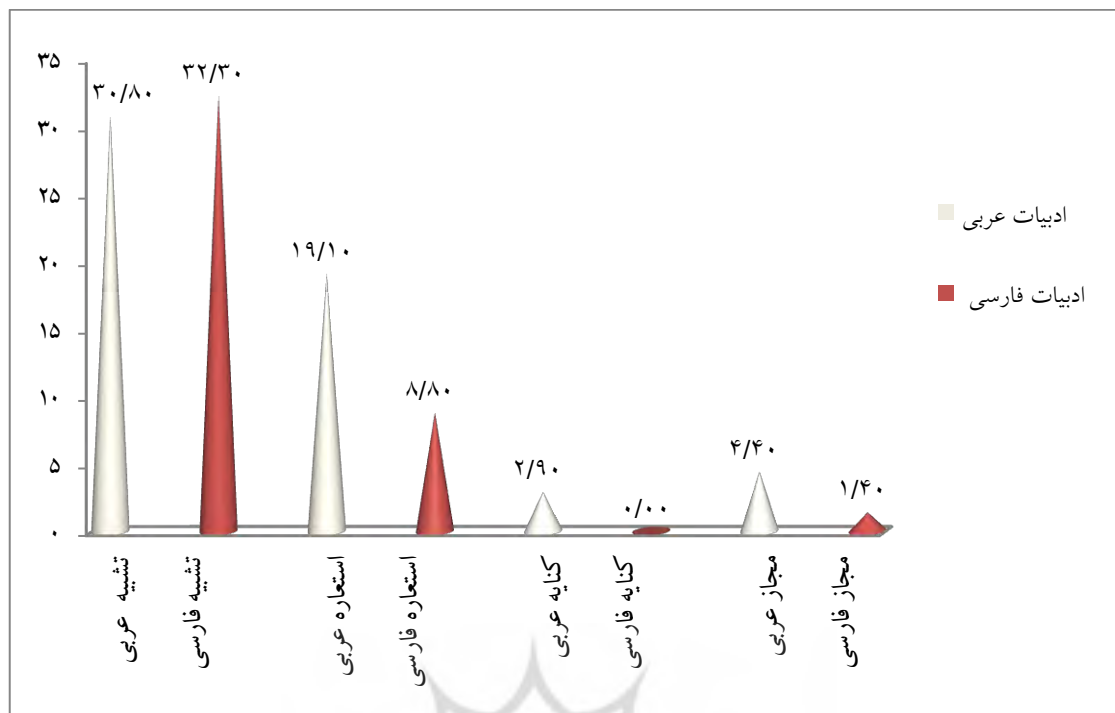
کنایه در لغت مصدر و قندزی در تعریف آن می‌نویسد: «آن لفظی بود که خواسته شود بدان لفظ لازم معنی آن لفظ.» (قندزی، نسخه خطی: ۱۰۲). قندزی کنایه را بر سه قسم تقسیم می‌کند: کنایه مطلوب نفس؛ کنایه مطلوب صفت، کنایه مطلوب نسبت (همان: ۱۰۲). کنایه مطلوب نفس چیزی بود که آن چیز غیر صفت و غیر نسبت باشد و این دو نوع است؛ اول آن‌که آن کنایه معنی واحد باشد. دیگر آن که مجموع معانی بود. کنایه مطلوب صفتی باشد از صفات، بر دو نوع است؛ یکی قریبه و آن کنایتی است که انتقال از آن کنایه به سوی مطلوب غیر واسطه باشد و دیگری خفیه. قسم سوم کنایه مطلوب نسبت باشد؛ یعنی اثبات چیزی و یا نفی کردن چیزی از چیزی (همان: ۱۰۲-۱۰۵).

قندزی در آوردن شاهد مثال‌ها، هم از ابیات فارسی و هم از ابیات عربی سود جست است که در جدول و نمودار زیر بسامدی این ابیات ترسیم شده است.

جدول ۱. بسامد ابیات عربی و فارسی در اساس الفضل

تعداد	نوع بیان	ابیات عربی		ابیات فارسی		مجموع ابیات عربی و فارسی	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱	تشبیه	۲۱	۳۰/۸	۲۲	۳۲/۳	۴۳	۶۳/۲
۲	استعاره	۱۳	۱۹/۱	۶	۸/۸	۱۹	۲۸/۰
۳	کنایه	۲	۲/۹	-	-	۲	۳/۰
۴	مجاز	۳	۴/۴	۱	۱/۴	۴	۵/۹
۵	جمع	۶۸	۵۷/۲	۶۸	۴۲/۵	۶۸	۱۰۰/۱





نمودار ۱. فراوانی ابیات فارسی و عربی

از هم جدا نکرد.

جرجانی در *اسرار البلاغه* بدیع را به تشبیه، استعاره و تمثیل و دیگر انواع بدیع از جمله تجنیس، حشو، طباق، مجاز لغوی و عقلی، حسن تعلیل و... اطلاق کرده است (رضا، ۱۳۶۲: ۵-۱۴) و در اثر دیگر خود *دلایل الاعجاز* علاوه بر آنچه در *اسرار البلاغه* متذکر شده بود، به فصل، وصل، قصر، تقدیم و تأخیر و حذف که امروزه در علم معانی مطرح می‌شود، نیز پرداخت و همه این مباحث را بیان نامید. او آنچه را که در *اسرار البلاغه* آورده بدیع نامیده و در *دلایل الاعجاز* بیان خواننده است (شرف، ۱۹۵۷: ۲۷-۲۸) و نیز مباحثی مانند جناس، سجع، حسن تعلیل و طباق را که منحصراً امروزه در حوزه علم بدیع قرار می‌گیرد، بسیار کم‌رنگ و به‌عنوان مباحث فرعی مطرح کرده‌است (عتیق، ۱۹۷۴: ۱۰۴).

پس از صحبت درباره تقسیم‌بندی‌های قندزی در زمینه بلاغت و صور خیال، بسیار مختصر به نظرات عبدالقاهر جرجانی، سکاکی و تفتازانی هم اشاره می‌شود؛ زیرا قندزی در حاشیه نسخه بلاغت به نظرات آنان اشاره نموده‌است.

#### عبدالقاهر جرجانی

بلاغت‌نویسان پیش از عبدالقاهر جرجانی، موضوعات معانی و بیان را بررسی کرده بودند و درباره مجاز، استعاره، تشبیه، تقدیم و تأخیر، ذکر و حذف، اطناب و ایجاز و غیر اینها سخن گفته بودند. نوآوری‌های عبدالقاهر جرجانی فقط در فصل‌بندی موضوعات است. مباحث وی با پیشینیانش اختلاف چندانی ندارد. جرجانی در *دلایل الاعجاز* و *اسرار البلاغه* دو کتاب مشهور خود همه موضوعات بلاغت (معانی و بیان و بدیع) را آورده‌است. او به پیروی از گذشتگان این سه فن را

### سکاکی

سکاکی عمده علم بلاغت را طبقه‌بندی و ابواب آن را مرتب نمود. «وضع اصطلاح معانی و بیان و تقسیم علم بلاغت به این دو فن، از ابتکارات سکاکی است.» (مهدوی دامغانی، ۱۳۹۳: **مدخل بلاغت**) که از سوی دانشمندان علم بلاغت پذیرفته شد. این دو فن عبارتند از:

- علم معانی: در ساختار و ترتیب کلام و در آن از ترکیبات جمله و نقش کلمات در جمله‌ها بحث نمود.

- علم بیان: در این فن تشبیه و مجاز را با همه انواع آن مثل مجاز لغوی و مجاز عقلی و کنایه بررسی کرده است.

- نوع سوم: او این نوع را بدیع نامید، بلکه این نوع را محسنات نام نهاد و آن را به دو بخش معنوی و لفظی تقسیم کرد: در بخش اول مباحث مطابقه، مقابله، مشاکله، مراعات نظیر، مزاجه، لف و نشر، جمع، تفریق، تقسیم، جمع و تفریق، جمع و تقسیم، جمع و تفریق و تقسیم، ایهام، تأکید، مدح شبیه به ذم، توجیه، سوق المعلوم مساق غیره، اعتراض، التفات و تقلیل اللفظ و لاتقليله وارد شد و در بخش دوم عنوان‌های تجنیس، اشتقاق، رد العجز الی الصدر، قلب، اسجاع (سجع) و ترصیع جای گرفت (عتیق، ۱۹۷۴م: ۲۰۰-۲۰۴). او این تقسیم‌بندی را در بخش سوم کتاب مشهور خود مفتاح العلوم انجام داده است.

### سعدالدین تفتازانی

تفتازانی، در کتاب *مطول* به آراء پیشینیان علوم بلاغی اشاره کرده است. او در تشریح مطالب به

آراء جرجانی هم توجه نموده است؛ و در مسائل بلاغی پیرو سکاکی بوده است، هر چند در موارد بسیاری با سکاکی، اختلاف نظر داشته است. او در کتاب *مطول* در تعریف علم بیان می‌گوید: «هذا هو الكلام فی شرح مقدمه علم البیان علی ما اخترعه السکاکی و أنت خیر بما فیہ من الاضطراب و الاقرب ان یقال: «علم البیان علم یبحث فیہ عن التشبیه و المجاز و الکنایه» (تفتازانی، بی‌تا: ۶۴۲). او نیز مسائل بیانی را به چهار مسئله تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه تقسیم نموده است (تفتازانی، بی‌تا: ۳۰۹-۳۱۰). با آنکه تفتازانی در بحث فصاحت، بیشترین اهمیت را به ذوق داده است. از نظر او مخل فصاحت مواردی است که برای ذوق، نامأنوس است و آن موضوع کلمه و کلامی است، هر چند که خود در کتاب شرح کتاب *تلخیص المفتاح* از اعتقادات کلامی و افکار فلسفی سخن گفته است.

### قندزی

قندزی در این نسخه کلام را به سه دسته فصاحت و جزالت و سلاست تقسیم‌بندی می‌کند. نیز در تقسیم‌بندی بیان از تشبیه، استعاره و مجاز و کنایه سخن می‌گوید و چون دیگران برای هر یک تقسیم‌بندی‌هایی قائل است که در معرفی اساس‌الفضل به آنها اشاره شد. البته او ابتدا بیان را به دو دسته محاسن و معایب تقسیم نموده و دیگر موارد را در این دو دسته جای داده است.

به نظر نگارندگان پژوهش، نظرات و تعاریف و تقسیم‌بندی‌هایی قندزی در بلاغت از میان بلاغت‌نویسان گذشته با سکاکی بیشترین قرابت را دارد.

### جدول ۲. آراء بلاغت‌نویسان یاد شده در اساس الفاضل

ردیف	نویسندگان	بلاغت
۱	جرجانی	او مفهوم سه کلمه فصاحت، بلاغت و بیان را نزدیک به هم دانسته است. او در کتاب «اسرار البلاغه فی علم البیان»، از درباره بدیع و مباحث گوناگون آن مانند سجع، جناس، حسن تعلیل و طباق هم بحث نموده است و او در کتاب «دلایل الاعجاز فی علم المعانی» از استعاره، کنایه، مجاز، تعریض و جناس متکلف هم سخن گفته است.
۲	سکاکی	وی در «مفتاح العلوم» با دقت فراوان هر یک از فنون سه گانه معانی، بیان و بدیع را دسته‌بندی و برای هر یک از آن‌ها حد و مرزی تعیین کرد. در علم معانی از ترکیبات جمله و نقش کلمات در جمله‌ها بحث نمود. در علم بیان از تشبیه، استعاره و مجاز و کنایه سخن می‌گوید و انواع علوم بدیعی را جزو محسنات به شمار می‌آورد.
۳	تفتازانی	تفتازانی، در کتاب «مطول» به آراء پیشینیان علوم بلاغی اشاره کرده و در مسائل بلاغی پیرو سکاکی بوده است، هر چند در موارد بسیاری با سکاکی، اختلاف نظر داشته است. او علم بیان را بحث در تشبیه و مجاز و کنایه می‌داند. تفتازانی در بحث فصاحت، بیشترین اهمیت را به ذوق داده است.
۴	قندزی	قندزی نیز در تقسیم‌بندی بیان از تشبیه، استعاره و مجاز و کنایه سخن می‌گوید و چون دیگران برای هر یک تقسیم‌بندی‌هایی قائل است. او بیان را به دو دسته محاسن و معایب تقسیم نموده و دیگر موارد را در این دو دسته جای داده است.

### جدول ۳. شباهت‌ها و تفاوت‌های آراء بلاغت‌نویسان یاد شده

شباهت‌ها	<p>همه بلاغت‌نویسان ذکر شده موضوعات معانی و بیان را بررسی کرده و برای علم بلاغت دسته‌بندی‌هایی در نظر گرفته‌اند.</p> <p>آن‌ها در موضوع مورد تحقیق که علم بیان است تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه را اصل قرار داده و تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مفصلی در این زمینه انجام داده‌اند.</p> <p>همه به مقولات معانی و بیان و بدیع در بلاغت توجه داشته‌اند. با تفاوت در تفکیک این موارد.</p>
تفاوت‌ها	<p>جرجانی برخلاف دیگر بلاغیون و به پیروی از گذشتگان این سه فن را از هم جدا نکرد.</p> <p>جرجانی برخلاف دیگر بلاغیون تشبیه، استعاره و تمثیل را هم جزو بدیع اطلاق کرده است.</p> <p>سکاکی انواع موضوعات بدیع را جزو محسنات به شمار آورده؛ ولی قندزی آن‌ها را در دو گروه محسنات و معایب بررسی نموده است.</p> <p>سکاکی و تفتازانی و به تبع آنان قندزی برای مسائل بلاغی، تقسیمات منطقی در نظر گرفتند و مسایل بلاغی را به یک سلسله تقسیمات منطقی کشاندند و از مسائل ذوقی، دور کردند.</p>

بلاغت‌نویسان معاصر (هاشمی، تجلیل، همایی، رجایی، احمدنژاد و کزازی) به اشتراکاتی دست یافتند که حاصل این بررسی‌ها را در جداول زیر رسم نموده‌اند.

در این قسمت نگارندگان پس از مقایسه انواع صور خیال (تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز) و شاهد مثال‌های نسخه بلاغت قندزی با آثار قدمای بلاغت‌نویس (سکاکی، رادویانی و رازی) و

جدول ۴. تشابهات نمونه ابیات در بخش تشبیه

ردیف	موضوع	نمونه ابیات بخش تشبیه در نسخه بلاغت قندزی	قدما			معاصران						
			سکاکي	رادوياني	رازي	هاشمي	تجليل	همایي	رجايي	احمدزاد	كزايي	
۱	وجه شبه مرکب	وكان مُحَرَّ السَّقِيَّ اذ تَصَوَّبَ او تَصَعَّدَ اعلام ياقوت بشارت على رماح من زبرجد (بشار بن برد)	*			*			*			
۲	تشبیه معکوس	وبدا الصَّباحُ كان غرته وجه الخليفة حين يمتدحه (محمدين وهيب حميري)		*		*						
۳	وجه شبه مرکب	وَأَشْمَسَ كالمراه في كَفِّ الأشلِّ (ابوالنجم عجلي)				*			*			
۴	تشبیه ملفوف	كان قلوب الطَّيرِ رطباً و يابساً لدى و كرها العناب و الحشف البالي (امرو القيس)		*		*			*			
۵	وجه شبه مرکب	كان مشارَّ البتِّعِ فوقَ روسنا و اسيفنا ليل تهاوى كواكبه (بشار)		*		*			*			
۶	وجه شبه تخیلی	و كان النجوم بين دجاها سنن لاح بينهن ابتداع (التوخي)				*						
۷	تشبیه بعید	ولا زوردية تزهو بزرقها بين الرياض على حمر البواقيت كأبها فوق قامات ضعفت بها أوائل النار في اطراف كبريت (أبي العتاهيه)				*						
۸	تشبیه تمثیلی	و ان تلق الانام و انت منهم فان المسك بعض دم الغزال لا خيل عندك تهدبها ولا مال فليسعد النطق ان لم تسعد الحال (مثنی)				*						
۹	وجه شبه مرکب حسی	و قد لاح في الصبح الثريا كما ترى كعنفود ملاحيه حين نورا (ذبیاتي)				*				*		

ادامه جدول ۴

ردیف	موضوع	نمونه ابیات بخش تشبیه در نسخه بلاغت قندزی	معاصران			قدما			سکاکی	
			کزازی	احمدنژاد	رجایی	همایی	تجلیل	هاشمی		رازی
۱۰	تشبیه مفصل	به قد گوئی سروی است در میان قبا به روی گوئی ماهی است بر نهاده چوماه بود و چو سرو نه ماه بود و نه سرو کمر نینده سرو و کله ندارد ماه (فرخی سیستانی)	*	*			*	*	*	
۱۱	تشبیه مفروق	النَّسْرُ مَسْكٌ وَالرَّجُوعُ دَنَا نبر و اطراف الاكف عنم (مرقس)					*			
۱۲	تشبیه مرکب به مفرد	یا صاحمی تقصیاً نظریکما تربیا ووجه الارض کیف تصور تربیا نهاریاً مشمسا قد شاهه زهر الزریا فکانما هو مقمر (ابن تمام)					*			
۱۳	تشبیه تسویه	صغ الجیب و حالی کلاهما کالیالی (وطواط)					*			
۱۴	تشبیه جمع	کاتما بیسم عن لؤلؤ منضد او برد او آقاح (بختری)					*			
۱۵	تشبیه مفصل	و ثوره فی صفاء و ادمعی کالاتی (وطواط)					*			
۱۶	تشبیه جمع	کاتما بیسم عن لؤلؤ منضد او برد او آقاح (بختری)					*			
۱۷	تشبیه مبتدل	عزما ته مثل النجوم ثواباً لو لم یکن للثاقبات اقول (ابن رومی)					*			

جدول ۵. تشابهات نمونه ابیات در بخش استعاره

ردیف	موضوع	نمونه ابیات بخش استعاره در نسخه بلاغت قندزی	معاصران						قدما				
			کزازی	احمدنژاد	رجایی	همایی	تجلیل	هاشمی	رازی	رادویانی	سکاکي		
۱	استعاره	قامت تظلمتی من الشمس نفس أعز علی من نفسی (ابن عمید)						*			*		
۲	موضع نهی عن تعجب	لا تعجبوا من بلی غلالته قد زرأ زواراً علی القمر (متنی)									*		
۳	قرینه استعاره	و صاعقة من نصله تنكفئ بها علی آروس الاقران خمس سحاب (بختری)									*		
۴	استعاره تخیلیه	صحا القلب عن سلمی و اقصر باطله و غری آفراس الصبا و رواجه (زهیر بن ابی سلمی)									*		
۵	استعاره بالکتابیه	و اذا المنیة أنشبت أظفارها (بوذوب هدلی)									*		
۶	استعاره ترشیح بر تناسی تشبیه	و یصعد حتی یظن الجهور بان له حاجة فی السماء (ابی تمام)									*		
۷	استعاره مطلقه	لدى اسد تاكى السلاح مقدف له لبد أظفاره لم تقلم (زهیر)									*		



- با توجه به جداول فوق می‌توان گفت:
۱. «اساس الفضل» قندزی از میان قدما بیشترین شباهت را با سکاکی و رادویانی و از میان معاصران بیشترین تشابه را با احمد هاشمی و پس از او با رجایی دارد.
  ۲. در بخش استعاره از میان قدما سکاکی و از معاصران با هاشمی شباهت‌هایی یافته شد که در این میان تعداد ابیات تکراری در نسخه قندزی با سکاکی بیشتر است.
  ۳. در مجاز دو بیت تکراری یافت شد که یک بیت هم در اثر سکاکی و هاشمی و دیگری تنها در اثر سکاکی دیده شده است.
  ۴. تشابه و تکرار نمونه ابیات در بخش تشبیه بیشتر از دیگر قسمت‌هاست. هم‌چنین بیشترین شباهت از میان قدما با سکاکی و در میان معاصران با هاشمی دیده می‌شود. در ذیل جدول بسامدی ابیات تکراری میان نسخه خطی «اساس الفضل» قندزی با آثار معاصران و قدما ترسیم شده است.
  ۵. هم‌چنین بررسی تطبیقی میان این نسخه با آثار قدمای بلاغت‌نویس (سکاکی، رادویانی و رازی) و بلاغت‌نویسان معاصر (هاشمی، تجلیل، همایی، رجایی، احمدنژاد و کزازی) حاکی از این است که قندزی در باب بلاغت و تقسیم‌بندی انواع آن و نیز آوردن نمونه ابیات

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش اساس الفضل قندزی، معرفی و تحلیل شد و مقایسه‌ای بین آراء او با بلاغت‌نویسان گذشته و معاصر صورت گرفت. حاصل این بررسی به شرح زیر است:



رضا، محمدرشید (۱۳۶۲). مقدمه بر اسرارالبلاغه فی علم البیان عبدالقاهر جرجانی. بی جا: مطبعه الترقی.

سکاکی، ابی یعقوب یوسف بن ابی بکر محمدبن علی (۱۴۰۷/۱۹۸۷م). مفتاح العلوم. بیروت: دار مکتب العلمیه. چاپ دوم.

شرف، حفنی محمد (۱۹۵۷م). مقدمه بر بدیع القرآن ابن ابی اصبع. قاهره: دار نهضة مصر للطبع و النشر.

حقیق، عبدالعزیز (۱۹۷۴م). علم البدیع. بیروت: بی نا.

خدایی، غلامرضا (۱۳۸۶). آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب. تهران: سمت.

قاسمی، رضا (۱۳۸۸). معانی و بیان تطبیقی. تهران: انتشارات فردوس. چاپ اول.

قندزی، محمود بن محمد بن احمد (بی تا). بلاغت. نسخه خطی متعلق به کتابخانه ملی مجلس شورای اسلامی. شماره ۸۸۲۰. تهران: کتابخانه ملی مجلس.

خیس رازی، شمس الدین محمد (۱۳۱۴). المعجم فی معاییر اشعار العجم. به همت محمد رمضانی. به تصحیح قزوینی و تصحیح ثانوی مدرس رضوی. طهران: مطبعه مجلس.

کزازی، میرجلال الدین (۱۳۷۲). زیباشناسی سخن پارسی (بیان). تهران: نشر مرکز. چاپ سوم.

دنبال‌رو و پیرو پیشینیان خصوصاً سکاکی است- با تفاوت‌هایی- و در میان معاصران بیشترین شباهت‌ها با جواهرالبلاغه احمد هاشمی دیده می‌شود.

## منابع

قرآن کریم.

+ احمدنژاد، کامل (۱۳۸۲). فنون ادبی. تهران: نشر پایا. چاپ اول.

تجلیل، جلیل (۱۳۷۴). معانی و بیان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ هفتم.

تفتازانی، مسعود بن عمر (بی تا). المطول؛ المطول فی شرح تلخیص الفتح. تهران: عبدالرحیم بن محمد تقی خوانساری. انتشارات علمیه اسلامیة.

درایتی، مصطفی (۱۳۹۰). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

رادویانی، محمدبن عمر (۱۹۴۹م). ترجمان‌البلاغه. تصحیح و حواشی و توضیحات احمد آتش. استانبول: انتشارات المعهد الشرقي.

رجایی، محمد خلیل (۱۳۵۹). معالم‌البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ سوم.

- مهدوی دامغانی، احمد (۱۳۹۳). *دانشنامه جهان اسلام*. مدخل بلاغت. جلد سوم. زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- همای، جلال‌الدین (۱۳۷۰). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: نشر هما. چاپ هفتم.
- یلمه‌ها، احمدرضا (بهار و تابستان ۱۳۹۱). «گمنامی بنام در تاریخ ادب فارسی اثیرالدین اومانی». *نشریه آینه میراث*. دوره ۱۰. شماره ۱. پیاپی ۵۰. ۲۶۵-۲۸۳.
- همای، احمد (بی‌تا). *جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع*. ضبط و تدقیق و توثیق د. یوسف الصمیلی. بیروت: المكتبة

